

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۸ جولای ۲۰۱۸

ایران یک کشور جنگزده و غارت شده است!

(قسمت سوم)

شرکت فعال حکومت اسلامی ایران در جنگ‌های «نیابتی» و فعالیت‌های میلیتاریستی آن

* این روزها، جدال لفظی میان سران امریکا و ایران بالا گرفته است و طرفین به همدیگر جنگ و دندان نشان می‌دهند. این جدال پس از تهدید تلویحی حسن روحانی به بستن تنگه هرمز به روی نفتکش‌ها آغاز شد. پس از آن روحانی در یک سخنرانی دیگر اظهار داشت: «امریکایی‌ها باید خوب بفهمند که صلح با ایران مادر صلح‌ها و جنگ با ایران مادر جنگ‌هاست.»

حسن روحانی در مقابل تهدیدهای ترامپ، تهدید بستن تنگه هرمز را پیش کشید. این موضع روحانی، با استقبال وسیع خامنه‌ای و فرماندهان سپاه پاسداران قرار گرفت و به این ترتیب، جنگ لفظی شدیدی بین سران و مقامات ایران و امریکا راه افتاده است.

حسن روحانی، در ادامه تهدید امریکا، گفت: «با دم شیر بازی نکنند» و جنگ با ایران «مادر جنگ‌ها خواهد بود». دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا، در واکنشی تند گفته است که ایران دیگر امریکا را تهدید نکند، چون امریکا تحمل نخواهد کرد.

ترامپ در توییت خود نوشته است: «به رئیس جمهور ایران، روحانی: هرگز و هرگز ایالات متحده را تهدید نکن، وگرنه بلایی سرتان خواهد آمد که کمتر کسی در تاریخ متحمل شده‌است. ما دیگر آن کشوری نیستیم که حرف‌های جنون‌آمیزتان درباره خشونت و مرگ را تحمل کنیم. حواست را جمع کن.»

حسن روحانی، دو روز پیش گفته بود: «امروز سخن گفتن با امریکا معنایی جز تسلیم و پایان دستاوردهای ملت ندارد. آقای ترامپ، ما مرد شرف و ضامن امنیت آبراه منطقه در طول تاریخ هستیم؛ با دم شیر بازی نکنید، پشیمان‌کننده است.»

روحانی پیش از آن گفته بود که در صورتی که امریکا بخواهد مانع صادرات نفت ایران شود، نفت بقیه منطقه هم صادر نخواهد شد.

او چند روز بعد در توضیح سخنان خود گفت: «می‌گویند نمی‌گذاریم نفت ایران صادر شود و خیال می‌کنند وقتی ما می‌گوییم هنگامی که نفت ایران صادر نشود، هیچ کس نمی‌تواند نفت صادر کند به دنبال بستن تنگه هرمز هستیم در صورتی که راه‌های فراوانی وجود دارد و بستن تنگه هرمز روش ساده آن است، اما بسیاری تنگه‌های دیگر برای این کار در اختیار داریم.»

چند ساعت پیش از توییت ترمپ، مایک پومپئو، وزیر خارجه آمریکا در جمع عده‌ای از ایرانیان مقیم آمریکا با انتقاد شدید از حکومت ایران گفت: «ما حاضریم با حکومت ایران گفتگو کنیم اما فشارهای آمریکا فقط زمانی کاهش خواهد یافت که ما در سیاست‌های تهران چرخشی ملموس، ثابت شده و مستمر مشاهده کنیم.» او گفت: «میزان فساد و ثروت رهبران حکومت نشان می‌دهد چیزی که ایران را اداره می‌کند بیش‌تر به یک مافیا شباهت دارد تا یک دولت.»

این سخنرانی ساعاتی پس از آن ایراد شد که حسن روحانی، سرنگونی و تجزیه ایران را از جمله سیاست‌های اصلی آمریکا علیه ایران دانست و به دونالد ترمپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در این مورد هشدار داد. روحانی، صلح با ایران را «مادر صلح‌ها» و جنگ با ایران را «مادر جنگ‌ها» خواند و گفت کشورش نمی‌پذیرد مورد تهدید قرار بگیرد.

قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس که فرماندهی ترور مخالفین در خارج و کمک به گروه‌های تروریستی شیعه و دولت عراق و سوریه را نیز به عهده دارد روز پنج‌شنبه ۴ مرداد - ۲۶ ژوئیه، در سخنانی در همدان به تهدیدهای دونالد ترمپ و دیگر مقام‌های آمریکا واکنش نشان داد و ادعا کرد: «از آن‌چه فکر کنید به شما نزدیک‌تریم، یادتان باشد طرف حساب شما من هستم و نیروی سپاه قدس، نه تمام نیروهای مسلح، شما که می‌دانید توان ایران در جنگ نامتقارن چه‌قدر است.»

او با اشاره به تجربه حمله آمریکا به افغانستان، خطاب به رئیس‌جمهوری آمریکا گفت: «با ۱۱۰ هزار سرباز و هزاران دستگاه تانک و نفربر و صدها فروند هواپیمای جنگی به افغانستان حمله کردید و پس از شکست بارها از طالبان برای صلح و گفت‌وگو التماس کردید و اکنون برای ما خط و نشان می‌کشید؟» فرمانده سپاه قدس اضافه کرد: «شما با ۱۶۰ هزار سرباز و چند برابر تجهیزات افغانستان به عراق حمله کردید و با وحشیانه‌ترین اتفاقات در این کشور مواجه شدید و حالا ملت ایران را تهدید می‌کنید؟» سلیمانی، درباره جنگ داخلی یمن نیز گفت: «شما جنگی با پشتوانه ۲۰۰۰ میلیارد دلار با همکاری امارات و عربستان سعودی در یمن به راه انداختید و همه امکانات فنی که بیش از ۲۸۰۰ دستگاه تانک مجهز دنیا را بدون خط قرمز در اختیار عربستان قرار دادید که جز جنایات کودک‌کشی چیزی به دست نیاوردید.»

فرمانده سپاه قدس ترمپ را یک «قمارباز» و ادبیات او را «قمارخانه‌ای و کاباره‌ای» خواند و گفت: «وقتی که وی با اروپا، روسیه، چین و کره به همین نحو حرف می‌زند احساس می‌شود که این حرف‌های یک قمارباز است و نشان از شکست یک ملت را دارد.»

فرمانده قدس سپاه، خطاب به ترمپ گفت: «تو که سابقه ناداری و فکرت مشغول چیزهای دیگر است لااقل از سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا درباره سبقه ایران و این‌که کسی تا به حال نتوانسته علیه ایران کاری کند سؤال کن.»

چند روز پس از تهدید ایران و حسن روحانی از سوی ترمپ، جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، اقدام به برگزاری جلسه‌ای پیرامون تعیین استراتژی امریکا در قبال ایران نموده است. این سومین جلسه‌ای است که بولتون برگزار می‌کند.

«وال استریت ژورنال» روز پنجشنبه ۲۶ ژوئیه - ۴ مرداد، با انتشار گزارشی خبر از برگزاری اجلاس استراتژیک دولت امریکا در قبال ایران داده است؛ اجلاسی که تنها چهار روز پس از انتشار پست توئیتری و تهدید کننده ترمپ خطاب به روحانی برگزار می‌شود.

در همین رابطه گفته شده است که جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، امروز پنجشنبه شماری از مشاوران و مسئولان ارشد امریکا را برای تعیین یک سیاست راهبردی در قبال ایران به کاخ سفید فراخوانده است. این سومین جلسه‌ای است که جان بولتون پس از شروع کار خود در ماه آوریل ۲۰۱۸ در ارتباط با ایران برگزار می‌کند.

این جلسات در ارتباط با سیاست دولت امریکا مبنی بر خروج این کشور از توافق هسته‌ای برگزار می‌شوند. هدف از این جلسات تدوین یک سیاست راهبردی در قبال حکومت اسلامی است.

وال استریت ژورنال، در ادامه گزارش خود اشاره می‌کند که با وجود تهدید امریکا به تمدید و تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، هنوز بسیاری از ارکان سیاست امریکا در قبال ایران ناروشن است.

هر چند به بازگشت تحریم‌های امریکا علیه ایران، نزدیک می‌شویم تحریم‌هایی که در نوبت دوم، یعنی از روز ۴ نوامبر ۲۰۱۸ - ۱۳ آبان ۱۳۹۷، آغاز می‌شود، صادرات نفت ایران را هدف قرار خواهد داد احتمال دارد این جدال لفظی و تهدیدات نیز با شدت بیشتری ادامه یابد.

متأسفانه اکنون بیش از هر زمان دیگری، احتمال جنگ و درگیری جدید بین حکومت اسلامی ایران و رقبایش احساس می‌شود. بی‌گمان تاوان چنین جنگی را مردم ایران پرداخت خواهند کرد.

خبرگزاری اسپوتنیک روسیه، امروز پنجشنبه ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۸، با درج خبر مربوط به تهدید سلیمانی علیه امریکا نوشت: تنش‌های کلامی میان مقامات جمهوری اسلامی و امریکا امروزه به جایی رسیده که دیگر جایی برای ادامه این روند باقی نمی‌گذارد و بسیاری بیم آن را دارد که مرحله بعدی جنگ خواهد بود.

سخنان قاسم سلیمانی، یک روز پس از تلاش شبه‌نظامیان حوثی پشتیبانی شده از سوی حکومت اسلامی ایران برای هدف قرار دادن یک نفتکش سعودی در دریای سرخ ایراد می‌شود؛ سخنانی که احتمال دست داشتن ایران در حادثه حمله به این نفتکش را تقویت می‌کند.

به گزارش خبرگزاری‌های ایران، قاسم سلیمانی در اظهارات خود که در «همایش شهدای همدان ایراد شده»، از اظهارات اخیر حسن روحانی رئیس‌جمهوری ایران حمایت کرد و ادعا کرد: «اظهارات شجاعانه روحانی تأثیر خود را در دل‌های مردم گذاشته است.»

در حالی که بر خلاف ادعای سلیمانی و هم‌فکرانش مرتجع‌اش در حاکمیت، دل‌ها اکثریت مردم ایران، برای سرنوشتی حکومت اسلامی و رهایی از فقر و فلاکت موجود و سرکوب و جنگ دیگر حکومت اسلامی و رقبایش می‌طبد!

*قاسم سلیمانی در بیست سال اخیر کم‌نامه ننوشته است. زمانی در اوج اعتراضات دانشجویی به محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت با لحنی تهدیدآمیز هشدار داد که کاسه صبر سپاه به پایان رسیده است. زمانی ابراهیم حاتمی کیا فیلمساز حکومتی را «سردار هنر» نامید و با لحنی مهربانانه از او خواست «از طعنه‌ها و سرزنش‌ها» نهراسد. زمانی هم به رهبری حکومت نامه نوشت و با لحنی پیروزمندانه مژده داد که سیطره داعش به پایان رسیده است. با این حال، نامه

اخیر سلیمانی به حسن روحانی را می‌توان مهم‌ترین نامه سرگشاده او دانست. نامه‌ای که نشان می‌دهد تغییری راهبردی در صحنه سیاست ایران در حال شکل‌گیری است.

نامه قاسم سلیمانی به حسن روحانی، مراتب فراتر از یک آشتی‌کنان تبلیغاتی و در حقیقت بیعت سیاسی بانفوذترین بخش سپاه با رییس قوه مجریه است. طی چند روز گذشته بخش‌های دیگر سپاه از محمدعلی جعفری فرمانده کل گرفته تا یحیی رحیم صفوی فرمانده سابق و اسماعیل کوثری جانشین قرارگاه ثارالله نیز به صف حامیان روحانی پیوسته‌اند. در واقع باید گفت اکثریت نیروهای نزدیک به علی خامنه‌ای طی کمتر از یک هفته از مخالف سرسخت روحانی به حامی او تبدیل شده‌اند.

فرآیند تغییر جهت اصول‌گرایان که از عصر چهارشنبه ششم تیر بلافاصله پس از سخنرانی روحانی در جمع مدیران ارشد دولت کلید خورد، یک عملیات کاملاً مدیریت شده و ناشی از یک تصمیم استراتژیک در سطح فوقانی قدرت است. بدون مداخله و فشار شخص آیت‌الله خامنه‌ای چنین تغییر جهت بزرگ و سریعی مطلقاً ممکن نبود.

بخشی از آنان «سخنرانی وحدت بخش روحانی» در ششم تیرماه را بهانه کردند، بخش دیگری از موضع‌گیری روحانی علیه اسرائیل استفاده کردند، و بخشی هم نظیر قاسم سلیمانی «تهدید روحانی به بستن تنگه هرمز» را بهانه گرفتند. هدف نهایی آن چیزی است که در آخرین جمله از نامه قاسم سلیمانی به روحانی، صراحتاً نوشته شده است: «ما برای هر سیاستی که مصلحت نظام اسلامی باشد در خدمت هستیم».

حسن روحانی در سوئیس، اشاره صریحی به بستن تنگه هرمز، جنگ با آمریکا و اعراب یا تقابل نظامی وجود ندارد. موضع‌گیری روحانی فی‌نفسه یک «تهدید غیرمستقیم، غیر صریح و دیپلماتیک» بود. با این حال، نامه چند خطی قاسم سلیمانی و اظهارات بعدی فرماندهان سپاه آن را در یک چشم به هم زدن به یک «تهدید مستقیم، صریح و نظامی» تبدیل کرد. در واقع یک نامه چند خطی از قاسم سلیمانی توانست به‌سادگی بار معنایی مورد نظر سپاه را بر دیپلماسی تحمیل کند.

* حسین امیرعبداللهیان، دستیار ویژه علی لاریجانی، رییس مجلس ایران در دیدار با سفیر تشکیلات خودگردان فلسطین در ایران گفته است اسرائیل در تلاش برای «سیطره» بر سوریه است ولی مستشاران ایران «همچنان به حضور خود در کنار سوریه» ادامه خواهند داد.

امیرعبداللهیان، گفته است حضور «نیروی مقاومت و مستشاران نظامی جمهوری اسلامی برای مقابله با تروریسم» ادامه خواهد داشت.

او گفته است ایران «نسبت به مسأله فلسطین و تهدیدات رژیم صهیونیستی که امنیت همه کشورهای منطقه را تهدید می‌کند، کوتاه نخواهد آمد».

حکومت اسلامی ایران، از حامیان اصلی بشار اسد، رییس‌جمهوری سوریه بوده است و می‌گوید با کمک روسیه، ارتش سوریه و حزب‌الله لبنان، گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) را در سوریه شکست داده است.

اسرائیل مخالف حضور نظامی ایران در سوریه است. این کشور گفته است ایران به دنبال ساخت پایگاه‌های نظامی در سوریه است.

مقام‌های ایران می‌گویند ایران «حضور محدود در سوریه» دارد که «برای کمک مستشاری» است و حضور آن‌ها به دعوت دولت بشار اسد، رییس‌جمهوری سوریه است.

وزارت امور خارجه ایران، گفته است: «تا زمانی که نیاز باشد و خطر تروریسم در سوریه باقی باشد و دولت سوریه بخواهد، نیروهای ایرانی در خاک این کشور باقی خواهند ماند».

بیش از هزار نیروی ایرانی و دو هزار نیروی افغان سازماندهی شده از طرف ایران در جنگ سوریه کشته شده‌اند.

تأسیسات راکتی

*بحث وجود تأسیسات راکتی ایران در صحرای شاهرود دست‌کم ۵ سال پیش به رسانه‌ها راه یافت. حالا یک کارآموز آلمانی که اولین نشانه‌های وجود این تأسیسات را در اینترنت یافت از نحوه کار خود با هفته‌نامه اشپیگل سخن گفته است. هفته‌نامه آلمانی اشپیگل در شماره جدید خود، گزارشی دارد از چند و چون فعالیت‌های فابیان هینتس، شهروند ۲۹ ساله آلمانی که در حین کارآموزی در یک موسسه آمریکایی به کشف تأسیسات راکتی شاهرود رسید. هینتس قرار بود در دوره کارآموزی‌اش در انستیتوی میدل‌بری کالیفرنیا صرفاً در یک پروژه ساده شرکت کند، ولی کنجکاو او به کشف یک برنامه راکتی مخفی ایران انجامید. پنج دانشمند و کارشناس مستقل یافته‌های هینتس را تا کنون بررسی و آن را تایید کرده‌اند.

یافته‌های هینتس و موسسه محل کار او اولین بار سال ۲۰۱۳ در نیویورک تایمز منتشر شدند و به لحاظ سیاسی بحث‌های متفاوتی برانگیختند چرا که این یافته‌ها از کار ایران بر روی یک راکت ماهواربر با سوخت جامد پرده برمی‌داشتند، پروژه‌ای که شاید حالا نهایی هم شده باشد. جنبه نگرانی‌آور در این راکت‌ها به گفته هینتس، این است که می‌توان آن‌ها را به راکت‌های قارمپیما تبدیل کرد. به عبارتی ایران به جای این که با این راکت‌ها ماهواره به فضا بفرستد می‌تواند روزی آن‌ها را به کلاهک‌های هسته‌ای مجهز کند و به سوی آمریکا شلیک کند.

البته ایران برای ساخت این‌گونه راکت ممنوعیتی ندارد، ولی معلوم نیست که چرا چنین پروژه‌ای را، آن هم مخفیانه، دنبال می‌کند، به خصوص که برای فرستادن ماهواره به فضا راکت‌های کنونی ایران کفایت می‌کنند. این ابهام، ماهیت صلح‌آمیز برنامه راکتی یادشده را با علامت سؤال بزرگی روبه‌رو می‌کند، آن هم در دوره‌ای که به نوشته اشپیگل، مناسبات ایران با جهان خارج بحرانی است.

اشپیگل در گزارش خود آورده که فابیان هینتس به زبان فارسی مسلط است و دو ترم در دانشگاه اصفهان درس خوانده است. او که دانش‌آموخته علوم سیاسی از دانشگاه‌های برلین و فرایبورگ در آلمان است در سن سیزده سالگی در جریان حمله عراق به آمریکا به مسائل مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی علاقه‌مند می‌شود. او به آثار و علائم برنامه راکتی ایران را هم در فیلم‌های یوتیوب دست یافته است.

هینتس به اشپیگل گفته است که اولین نشانه‌ها را در یکی از فیلم‌های یوتیوب که جنبه تبلیغی برای حسن تهرانی، پدر برنامه راکتی ایران، دارد کشف کرده است. او می‌گوید که مقدم در غرب زیاد شناخته شده نیست، ولی در ایران یک قهرمان ملی به شمار می‌رود.

مقدم تحقیقات راکتی ایران را در دهه هشتاد با شماری از پاسداران و با کمک سوریه و کسب قطعات راکتی از لیبی و کره شمالی آغاز کرد. دختر مقدم در همین فیلم به یاد می‌آورد که «کره شمالی برای پدرش یک الگو و سرمشق بود»، چرا که به قول پدر «این کشور زیر فشارهای آمریکا به قدرتی اتمی بدل شد و از آن پس آمریکا دیگر نتوانست کاری علیه‌اش انجام دهد».

هینتس به نوشته اشپیگل به کندوکاو بیش‌تر در یوتیوب دست زد و به مواد و داده‌های بیش‌تری درباره مقدم رسید. در این فیلم‌ها و مصاحبه‌ها متخصصان راکتی ایران، دوستان و خویشاوندان مقدم ناخواسته اسراری مهم را در باره کارهای او افشا می‌کنند. از جمله یک محقق راکتی ایران به کار مقدم بر روی یک راکت ماهواربر با سوخت جامد اشاره می‌کند. محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران نیز سال ۲۰۱۲ تایید کرد که مقدم بر روی چنین راکتی کار

می‌کرده است. شاید نکته شگفت‌آور در جست‌وجوی هاینس این باشد که همه یافته‌های او حی و حاضر در اینترنت موجود بوده‌اند. تنها لازم بوده که کسی به این ایده برسد که آن‌ها را دنبال و جمع و جور کند.

اشپیگل می‌نویسد که هاینس ابتدا خود هم از یافته خویش در حیرت بود و باورش نمی‌کرد. او ولی این یافته‌ها را به همکارانش در انستیتوی میدل‌بری که از سال‌ها پیش روی سلاح‌های کشتار جمعی کار می‌کنند نشان داد و جمعا تحقیقات را ادامه دادند، از جمله با مقایسه تصاویر ماهواره‌ای و پی‌بردن به تأسیسات آزمایش‌های راکتی در صحرای شاهرود و رشد و توسعه آن در طول چند سال. و نیز پی‌بردن به این که چگونه یک سکوی بزرگ پرتاب راکت، احتمالا برای شلیک راکت‌های با سوخت جامد، در این تأسیسات نصب شد.

بعداً یک انبار متحرک آبی رنگ نیز به جزیی از این تأسیسات بدل شد. ولی این سؤال مطرح بود که رنگ آبی معنایش چیست.

پاسخ این سؤال را نیز هاینس در یوتیوب و از خلال مصاحبه‌های همکاران و خویشان مقدم به دست آورد. بر اساس گفته‌های مطرح در این فیلم‌ها آبی رنگ تیم استقلال تهران و مورد علاقه مقدم بود. یکی از همکاران مقدم در این مصاحبه‌ها می‌گوید که به خواست او حتی کپسول‌های آتش‌نشانی در تأسیسات شاهرود را هم رنگ آبی زده‌اند. ولی به گفته هینس، او با همین رنگ آبی ناخواسته نشانه‌ای لودهنده به جا گذاشت.

حسن تهرانی روز ۱۲ نوامبر ۲۰۱۲ - ۲۱ آبان ۱۳۹۰، در جریان یک انفجار مهیب در تأسیسات راکتی ایران در ملارد کرج کشته شد، انفجاری که در تهران هم شنیده شد. در مورد این انفجار شایعات متفاوتی مطرح شد، و شاید هم صرفاً یک اتفاق بود. به گفته هینس «مقدم به برنامه‌های ریسک‌آمیز زیادی وارد شده بود و دیر یا زود بالاخره حادثه‌ای در یکی از این برنامه‌ها روی می‌داد.»

مقدم بعد از مرگ به «شهید» حکومت اسلامی بدل شد. علی خامنه‌ای رهبر ایران شخصا به دیدار خانواده او رفت. برادر مقدم در یکی از مصاحبه‌های یوتیوبی جمله خامنه‌ای خطاب به خانواده او نقل کرده است که «برخی مواقع من می‌بایست جلوش را بگیرم و مهارش کنم.»

به گفته هینس رویه سپاه پاسداران در پیش‌برد برنامه راکتی شبیه کار آن‌ها بر روی برنامه اتمی است: «آن‌ها ابتدا ظرفیت‌های غیرنظامی چنین تکنیکی را گسترش می‌دهند، به گونه‌ای که وقتی که وضعیت حساس و بحرانی شد به راحتی بتوانند آن را به ظرفیت‌های نظامی برسانند.»

ولی بعد از کشته‌شدن حسن مقدم بر سر برنامه راکتی ایران چه آمد. محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه در اولین سالگرد کشته‌شدن مقدم گفت که مأموریت و رسالت او ادامه دارد. تصاویر ماهواره‌ای از تأسیسات شاهرود نیز این سخن جعفری را تایید می‌کنند.

این تأسیسات به گفته هینس، همچنان فعال است و در طول دو سال گذشته به شدت توسعه یافته است. برادر حسن مقدم شش ماه پیش در اظهاراتی گفت که «مستکبرین منطقه بدانند که پروژه‌های این شهید بزرگوار یکی پس از دیگری در حال رونمایی است و هنوز آن پروژه اصلی وی رونمایی نشده است... پروژه‌ای را شهید تهرانی مقدم برای رهبر انقلاب افتتاح کردند که اگر یک روز برای همگان پرده‌برداری شود لرزه بر اندام تمام مستکبرین حاضر در منطقه و عوامل آن‌ها خواهد انداخت.»

فابیان هاینس هم به نوشته اشپیگل در تعقیب همین برنامه‌هاست. انستیتوی میدل‌بری هم به او پیشنهاد داده که بعد از دوره کارآموزی رسماً در این انستیتو مشغول به کار شود.

*به گزارش پرس تی وی، در ویدئوی یک دقیقه فیلمی از تجهیزات راکتی ایران شامل راکت‌های ذوالفقار، فتح، عماد منتشر شده است. این فیلم کوتاه به معرفی تمامی راکت‌های نظامی ایران می‌پردازد.

گفتنی است، نام برخی از تجهیزات نظامی و راکتی ایران در روز ارتش به شرح زیر اعلام شده بود: سامانه راکتی نصر ساحل‌پایه، خودروی تاکتیکی راکت‌انداز مکران، سامانه راکتی اس ۲۰۰، سامانه راکتی صیاد ۲، سامانه راکتی مرصاد، راکت هواپرتاب ستار ۱، بمب قاصص، راکت هواپرتاب یاسر، راکت فکور ۹۰، راکت کروز قادر و...

*رهبران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در نشست خود در مقر این سازمان در بروکسل در روز چهارشنبه ۱۱ ژوئیه - ۲۰ تیر، از فعالیت‌های ایران، روسیه و کره شمالی ابراز نگرانی کردند. آن‌ها در بیانیه پایانی این نشست از ایران خواستند تا از تمامی فعالیت‌های مغایر با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد دست بکشد.

قطعنامه ۲۲۳۱، متنی بود که پس از توافق اتمی با ایران در سال ۲۰۱۵ به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید. در این قطعنامه از ایران خواسته شده که هیچ فعالیتی در رابطه با راکت‌های بالستیک که قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای را دارند انجام ندهد.

در بیانیه پایانی ناتو آمده است: «ما از تشدید آزمایش راکت‌های بالستیک ایران و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده این کشور در سراسر منطقه خاورمیانه نگرانیم. ما از ایران می‌خواهیم از تمامی فعالیت‌هایی که با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و پیوست‌های آن مطابقت ندارد خودداری کند.»

حاضران در نشست ناتو علاوه بر افزایش آزمایش‌های راکتی ایران از دقت راکت‌های بالستیک و برد آن‌ها نیز ابراز نگرانی کرده‌اند.

در بیانیه آمده است: «ما متعهد هستیم تا دائما از صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران در راستای الزام‌ها و تعهدهای بین‌المللی این کشور که هرگز سلاح‌های هسته‌ای را جست‌وجو، توسعه و تولید نخواهد کرد اطمینان حاصل کنیم.» در این بیانیه، بر اهمیت همکاری کامل ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکید شده است.

همچنین حمایت مالی ایران از تروریسم، از جمله برخی «گروه‌های مسلح غیردولتی» محکوم و از این کشور خواسته شده تا در مبارزه با تروریسم و دستیابی به راحل‌های سیاسی در راه استقرار صلح در منطقه نقشی سازنده ایفا کند.

*رزمی دی‌کارلو، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد با ارائه گزارش آنتونیو گوترش در نشست شورای امنیت در روز چهارشنبه ۲۷ ژوئن - ۶ تیر، گفت که ایران به تعهدات خود در چارچوب برجام پایبند بوده، اما در عین حال از این کشور خواست تا به نگرانی‌های بین‌المللی در مورد برنامه‌های راکتی خود اهمیت دهد.

دی‌کارلو، با اشاره به خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران گفت: «دبیرکل سازمان ملل از این اتفاق به شدت متأسف است و اعتقاد دارد مسائلی که به‌طور مستقیم به برجام مربوط نمی‌شوند، باید به دور از غرض‌ورزی مطرح شوند تا به این توافق و دستاوردهای آن لطمه‌ای وارد نشود.»

نشست روز چهارشنبه نخستین نشست شورای امنیت در مورد برجام پس از خروج آمریکا از این توافق‌نامه بود. رزمی دی‌کارلو، در گزارش خود اشاره کرد که آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای ۱۱ مرتبه پایبندی ایران به تعهداتش را تایید کرده است.

او در عین حال، از تهران خواست تا به نگرانی‌های بین‌المللی در مورد فعالیت‌های خود که در تضاد با برجام هستند، به ویژه فعالیت‌های راکتی و ارسال سلاح به شورشیان حوثی در یمن و گروه‌های شبه‌نظامی در لبنان و نوار غزه توجه کرده و به آن‌ها اهمیت بدهد.

به‌گفته رزمی دی‌کارلو، از زمان ارائه آخرین گزارش آنتونیو گوترش در مورد برجام، مقامات عربستان سعودی «۹ اتهام جدید» علیه ایران را در رابطه با راکت‌های بالستیک که از یمن به خاک این کشور پرتاب شده‌اند، نزد دبیرکل سازمان ملل مطرح کرده‌اند. به گفته مقامات سعودی این راکت‌ها حاوی قطعات راکت‌های قیام ۱ بوده‌اند که ساخت ایران است.

گوترش در گزارش اخیر خود به شورای امنیت، گفته بود کارشناسان سازمان ملل در بررسی بقایای به جا مانده از راکت‌هایی که از سمت یمن به خاک عربستان شلیک شده‌اند، قطعاتی ساخت ایران یافته‌اند، اما با این حال سازمان ملل هنوز نتوانسته مشخص کند که قطعات این راکت‌ها و تکنولوژی مربوط به آنان دقیقاً در چه زمانی از ایران به یمن منتقل شده است.

او گفته بود برای سازمان ملل این امر محرز نشده که آیا این اتفاق پس از ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶، یعنی بعد از اجرایی شدن قطعنامه شورای امنیت در مورد تحریم تسلیحاتی یمن صورت گرفته یا قبل از آن رخ داده است.

رزمی دی‌کارلو، همچنین اعضای شورای امنیت را در جریان اطلاعاتی گذاشت که سازمان ملل در رابطه با حضور احتمالی یک پهپاد ایرانی در سوریه از سوی اسرائیل دریافت کرده است. این پهپاد در ماه فوریه در پی ورود به حریم هوایی اسرائیل توسط ارتش این کشور سرنگون شد.

به‌گفته دی‌کارلو، دبیرخانه سازمان ملل امکان بررسی بقایای این پهپاد را نداشته اما طبق تصاویری که اسرائیل ارائه کرده، به نظر می‌رسد پیکربندی بال این پهپاد شبیه به پهپادی باشد که ایران در اکتبر سال ۲۰۱۶ از آن رونمایی کرد.

دی کارلو افزود دبیرخانه سازمان ملل «هیچ اطلاعاتی در مورد صاحبان و کنترل‌کنندگان این پهپادها ندارد.»

***روزنامه همشهری تهران، شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۶، نوشت: بودجه دفاعی ایران چه‌قدر در سال است؟**

بودجه نظامی ایران، چه سهمی از درآمدهای کشور را به‌خود اختصاص می‌دهد و این هزینه، ایران را در چه جایگاهی از دنیا قرار می‌دهد؟

اگر از بخش‌های محرمانه احتمالی بودجه‌های سالانه صرف‌نظر کنیم، پاسخ به این پرسش‌ها را باید از همان ارقام شفاف شده در لایحه‌های بودجه تخمین زد. یک‌ساله می‌شود که بودجه نظامی و دفاعی ایران با یک ماده واحد افزایش قابل توجه نزدیک به ۵ درصدی داشته است. این افزایش برای بودجه سال آینده نیز لحاظ شده است. تا قبل از سال ۹۶، ۵ نهاد نظامی ایران به‌طور مستقیم ردیف بودجه‌ای داشتند: سپاه، بسیج، ارتش، وزارت دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح.

با اجرای برنامه ششم توسعه از ابتدای امسال، ردیف ششمی هم به این جدول اضافه شد؛ «بودجه ارتقای توان دفاعی». این بودجه به‌طور مستقیم در اختیار وزارت دفاع قرار می‌گیرد. ارزش آن هم نزدیک به ۲ هزار میلیارد تومان است؛ و اگر قرار بود همان سهم قانونی ۵ درصدی تقویت توان دفاعی در برنامه ششم لحاظ شود بالغ بر ۲۱ هزار میلیارد تومان و افزایش ۵۰ درصدی بودجه دفاعی کشور می‌شد.

براساس ماده ۱۰۱۶ قانون برنامه ششم توسعه کشور، دولت مکلف شده حداقل ۵ درصد از منابع بودجه عمومی دولت را به‌عنوان سهم تقویت بنیه دفاعی در ردیف‌های تقویت بنیه دفاعی در بودجه سالانه کشور اختصاص دهد. براساس گزارش یکی از موسسات شناخته‌شده در رتبه‌بندی هزینه نظامی کشورها (موسسه تحقیقات صلح استکهلم)، بودجه نظامی

ایران در سال ۲۰۱۶ میلادی سهم ۳ درصدی از بودجه کل کشور داشته است. محاسبات انجام شده در چارچوب مفاد برنامه ششم توسعه رشد ۰/۷ درصدی از این تاریخ به بعد را نشان می‌دهد.

*براساس گزارش دیگری از موسسه تحقیقات صلح استکهلم در سال ۲۰۱۶، بالاترین سهم هزینه نظامی از بودجه کشورهای دیگر نیز بعد از کره شمالی به عمان (۱۶/۷ درصد) و عربستان سعودی (۱۰ درصد) در جایگاه‌های دوم و سوم قرار دارد.

ایران نیز در این جدول پس از ایالات متحده در جایگاه دوازدهم قرار می‌گیرد. کویت، امارات، روسیه و پاکستان نیز در همان ۱۰ پله اول جدول قرار می‌گیرند. آمریکا با وجود صرف هزینه بالغ بر ۶۰۰ میلیارد دلاری در بخش نظامی حدود ۳/۳ درصد منابع بودجه کل این کشور را به امور نظامی تخصیص می‌دهد. از لحاظ ارزش مالی آمریکا در رتبه نخست هزینه دفاعی قرار دارد و پس از آن چین، روسیه، عربستان سعودی و هند با فاصله فاحش از آمریکا در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند. ایران نیز در جدول ارزش مالی هزینه‌های نظامی پس از ترکیه در جایگاه ۱۹ قرار می‌گیرد.

همشهری در گزارش خود آورده است که یادآوری شود نمایندگان مجلس ۲۲ مردادماه امسال طرحی با عنوان «طرح مقابله با اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» به تصویب رساندند و ۲ هزار میلیارد تومان در اختیار ستاد کل نیروهای مسلح و سپاه قدس برای گسترش فعالیت‌های موشکی و مبارزه با تروریسم قرار دادند.

ناگفته نماند که این روزنامه دولتی در ابتدای گزارش خود می‌نویسد: «اگر از بخش‌های محرمانه احتمالی بودجه‌های سالانه صرف‌نظر کنیم...» بنابراین، بودجه نظامی حکومت اسلامی ایران، بخش‌های محرمانه زیادی دارد.

*کل بودجه پنج نهاد نظامی حکومت اسلامی ایران در سال ۱۳۹۶، بیش از ۴۴ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که با نرخ دالر بانک مرکزی، برابر با حدود ۱۳ میلیارد و پانصد میلیون دالر است. در عین حال دو هزار میلیارد تومان که برابر با تقریباً ۶۰۸ میلیون دالر است، تقریباً نصف کل بودجه وزارت دفاع ایران است، چون بیش‌تر بودجه به سپاه پاسداران می‌رسد.

در واقع حکومت اسلامی ایران، از سال ۱۳۹۶، به ازای هر نفر از جمعیت ایران، حدود ۵۰۰ هزار تومان خرج هزینه‌های دفاعی می‌کند که نشان می‌دهد برنامه‌های نظامی یکی از اولویت‌های اصلی حکومت اسلامی ایران است. در عین حال سرانه بودجه دفاعی حکومت اسلامی ایران، حدود ۷۶ برابر سرانه بودجه محیط زیست است که برای هر نفر تنها ۶ هزار و ۵۰۰ تومان است.

*جنگ داخلی سوریه، بیش از هفت ساله شده است. حکومت اسلامی ایران، از همان آغاز برای حمایت از حکومت بشار اسد کمک‌های تسلیحاتی را آغاز کرد. تا جایی که در نیمه اول سال ۱۳۹۰، اتحادیه اروپا سه عضو ارشد سپاه پاسداران و نیروی قدس سپاه را به دلیل «تامین تجهیزات و پشتیبانی از سرکوب معترضان در سوریه» تحریم کرد.

حمایت‌های ایران با بالا گرفتن جنگ داخلی سوریه ابعاد گسترده‌تری یافت و از کمک‌های تسلیحاتی و آنچه مقام‌های ایران «کمک‌های مستشاری» می‌خوانند به نیروهای نظامی بیش‌تر و کمک‌های مالی و تجاری رسید.

حال این سؤال مطرح است که حدود هفت سال دخالت همه‌جانبه حکومت اسلامی ایران در جنگ داخلی سوریه، برای ایران چه قدر خرج داشته است؟

در سال‌های اخیر، این سؤال بارها به خصوص در میان گروه‌های مخالف یا منتقد حکومت ایران مطرح شده است. در داخل کشور در جریان اعتراض‌های دی ۱۳۹۶، خرج کردن برای سوریه در شعارهای معترضان شنیده شد. در این

گزارش تلاش شده است که بعضی از ادعاهای مطرح شده درباره حجم کمک‌های مالی ایران به سوریه راستی‌آزمایی شود و به برآوردی از حجم کمک‌های مالی به دمشق به دست بیاید.

اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، اقتصادی شفاف شناخته نمی‌شود و همچنین ارزش‌گذاری بعضی از خدمات (مثل اعزام نیرو) یا کمک‌های تسلیحاتی، بسیار دشوار و گاهی به دلیل نبود اطلاعات کافی، ناممکن است. با این حال در سال‌های اخیر، برآوردهایی از حجم کمک‌های حکومت اسلامی ایران به سوریه، مطرح شده است.

- سازمان ملل: سالی ۶ میلیارد دلار

شاید قابل اتکا ترین رقم، برآورد دفتر نماینده سازمان ملل در امور سوریه، استفان دی میستورا باشد. جسی شاهین سخن‌گوی این دفتر گفته برآورد سازمان ملل این است که ایران به‌طور متوسط «سالی ۶ میلیارد دلار (معادل ۲۲ هزار میلیارد تومان با نرخ دلار بانک مرکزی) در سوریه هزینه می‌کند.

برای مقایسه، این برآورد به معنی آن است که حکومت اسلامی ایران، سالانه حدوداً به اندازه نصف بودجه پرداختی یارانه‌های نقدی به سوریه کمک کرده است. اگر ایران این رقم را به صورت منظم در شش سال جنگ داخلی سوریه هزینه کرده باشد، به معنی پرداخت ۳۶ میلیارد دلار است. این رقم، حدود سه برابر بودجه دفاعی سالانه ایران است.

*یکی دیگر از عددهای مطرح شده، برآورد ندیم شهادی، استاد اقتصاد در دانشگاه تافتس در ماساچوست امریکا است. شهادی برآورد کرده است که ایران در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، یعنی زمانی که حکومت بشار اسد تقریباً تمام منابع درآمد خود را از دست داده بود، بین ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار به سوریه کمک کرده است.

شهادی به بی‌بی‌سی فارسی گفته است که به دلیل به گفته او «ورود گروه‌های متعدد که تحت حمایت مالی سپاه پاسداران ایران هستند، از جمله گروه‌هایی از عراق و افغانستان، برآورد هزینه‌های ایران در سال‌های بعد از ۲۰۱۳ میلادی بسیار دشوار است.» اما برآورد شهادی به عددی که سازمان ملل متحد اعلام کرده (سالی حدود ۶ میلیارد دلار) نزدیک است.

*در مورد هزینه نیروهایی که ایران به سوریه فرستاده است، حدود دو سال پیش نیویورک تایمز، گزارشی منتشر کرد و به نقل از یکی از نیروهای افغان که از طریق سپاه فاطمیان به سوریه رفته بود، مبلغ دستمزد ماهانه این نیروها را ۸۰۰ دلار اعلام کرده بود. منابع دیگر هم مبلغ‌هایی حدود این را تأیید می‌کنند. با این حساب اگر تعداد این نیروها ۱۰ هزار نفر باشد، هزینه سالانه تنها پرداخت دستمزد آن‌ها برای ایران حدود ۱۰۰ میلیون دلار خواهد بود، با این تأکید که این رقم تنها یک برآورد است.

در زمان مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، مسأله رفع تحریم‌ها و آزاد شدن پول‌های مسدود شده ایران در بانک‌های خارجی، سؤال از رسیدن این پول‌ها به دست بشار اسد را مطرح کرده بود. در آن زمان دولت باراک اوباما، برآوردهای «چند صد یا چند ده» میلیاردی را دور از واقعیت دانست. باراک اوباما در یک گفت‌وگوی تلویزیونی، گفته بود که «خطر ایران به خاطر پولدار بودنش نیست، بودجه سالانه دفاعی ایران حدود ۱۵ میلیارد دلار است، در حالی که بودجه دفاعی کشورهای خلیج فارس ۱۵۰ میلیارد دلار است.»

*واضح‌ترین کمکی که ایران به حکومت سوریه کرده است، باز کردن خطوط اعتباری است. صندوق بین‌المللی پول این اعتبارها را «تنها کمک مالی رسمی» به حکومت سوریه در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ میلادی خوانده است. این صندوق مجموع کمک‌های ایران در قالب خطوط اعتباری (Line Of Credit) را ۵ میلیارد و ۸۷۰ میلیون دلار اعلام کرده است.

علاوه بر این اعتبارها، سازمان توسعه تجارت ایران هم مهر ۹۵ از «اختصاص خطوط اعتباری خاص» برای صادرات به عراق و سوریه خبر داد. اما جزئیات بیشتری درباره سقف این اعتبار اعلام نشده است با این حال بعضی از منابع سوری، سقف اعتبارات ایران را ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دالر اعلام کرده‌اند که به رقم بالا نزدیک است. مقام‌های ایران گفته‌اند که حدود ۶ میلیارد دالر اعتباراتی که در اختیار دمشق گذاشته شده است، برای تجارت کالا است. اما مشخص نیست چه مقدار از این اعتبار تاکنون مصرف شده است. گرچه سه بار بالارفتن حجم اعتبار می‌تواند به معنی نیاز به اعتبار بیش‌تر برداشت شود.

ارزش کالاهایی که از سال ۱۳۹۰ تا هشت ماه اول ۱۳۹۶ از گمرک ایران به سوریه صادر شده است، به یک میلیارد و ۳۱۳ میلیون دالر می‌رسد. واردات ایران از سوریه هم در این مدت، حدود ۹۱ میلیون دالر ارزش داشته است. بنابراین تراز تجاری دو کشور در زمان جنگ، به منفی یک میلیارد و ۲۲۱ میلیون دالر می‌رسد. این رقم با فرض این‌که سوریه با صادرات کالا به ایران، بخشی کوچکی از واردات را جبران کرده باشد، می‌تواند به‌عنوان بدهی سوریه به ایران در نظر گرفته شده باشد.

چرا که براساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، در این سال‌ها سوریه «به هیچ عنوان» توان تسویه حساب‌های بین‌المللی خود را نداشته است.

*محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، پارسال در اجلاسی در مورد جلب کمک‌های بشردوستانه برای مردم سوریه که در لندن برگزار شد گفت که ارزش کمک‌های بشر دوستانه ایران از آغاز جنگ، حدود ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دالر بوده است. البته او تاکید کرد که این پول ارزش کمک‌های دارویی، تجهیزات پزشکی، خوراک و اقلام مصرفی دیگر است و به کمک‌های نظامی اشاره‌ای نکرد.

*ستاد بازسازی عتبات عالیات، همان‌طور که از نامش مشخص است، برای بازسازی مکان‌های مقدس شیعیان در عراق تشکیل شده است اما حالا در سوریه هم حضور دارد. این سازمان ادعا می‌کند که بودجه دولتی ندارد و به گفته مسئولانش، بودجه خود را تنها از «کمک‌های مردمی» و «کمک بعضی از شرکت‌های خصوصی» تامین می‌کند. گرچه بعضی از مخالفان حکومت اسلامی ایران می‌گویند این ستاد آشکارا از امکانات دولتی استفاده می‌کند.

این ستاد تاکنون «مرمت» مقبره زینب کبری را در دمشق تمام کرده و در حال ساخت یک «مهمان‌سرا» مقابل مقبره است که بعد از تکمیل به گفته مسئولان این ستاد «در اختیار آستان قدس رضوی» قرار خواهد گرفت.

همچنین شهرداری مشهد، در حال ساخت یک «بوستان» در نزدیکی این مقبره است. این ستاد رقم مشخصی از هزینه‌هایی که در سوریه کرده است را منتشر نکرده، اما در یک مورد از هزینه ۱۰۰ میلیون تومان، برای تجهیز این مقبره خبر داده است. مقام‌های این ستاد گفته‌اند که بیشتر هزینه‌ها را «مردم مومن خوزستان» پرداخت کرده‌اند.

*بانک جهانی در تازمترین برآوردش می‌گوید درآمد سوریه از نفت، در سال ۲۰۱۱ حدود ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دالر بود، که در سال ۲۰۱۵ (حدود دو سال پیش) درآمدش به ۱۴۰ میلیون دالر در سال کاهش یافته است. بنابراین دولت سوریه حدود ۹۷ درصد درآمدش را از دست داده است.

اگر برآورد دفتر نماینده ویژه سازمان ملل در سوریه که بالاتر به آن اشاره شد در ست باشد، کمک سالانه «شش میلیارد دالری» ایران می‌تواند تا حدودی نیازهای حکومت سوریه را برطرف کند و جایگزین نفت شود.

سوریه قبل از آغاز جنگ هم اقتصادی کوچک و وابسته به صادرات نفت داشت. با آن‌که این کشور منابع بزرگی هم ندارد اما همان فروش سالی ۵ تا ۶ میلیارد دالر نفت و محصولات نفتی، بزرگترین درآمد این کشور بود. مقصد تقریباً

تمام صادرات نفت هم اتحادیه اروپا بود که با شروع جنگ، سوریه را تحریم کرد. و البته از حدود سال ۲۰۱۲، دمشق تقریباً کنترل منابع نفتی خود را از دست داد یا آن‌که تولید به دلیل جنگ برایش ناممکن شد.

صندوق بین‌المللی پول، برآورد کرده است که در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۱۰۵ میلادی (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، اقتصاد سوریه حدود ۶۰ درصد کوچک شده است. تمام منابع درآمدی از بین رفته و دولت اموراتش را با خرج منابع ارزی ذخیره شده، چاپ پول و تقریباً ممنوع کردن خروج هر نوع پولی از کشور تامین کرده است. در این دوره تورم بین ۱۲۰ تا ۵۰ درصد در نوسان بوده است. البته همه منابع باقی مانده در راستای تهیه مایحتاج ضروری و خرید سلاح و مهمات به کار گرفته شده است، یعنی یک اقتصاد جنگی تمام عیار.

براساس برآورد صندوق بین‌المللی پول، افزایش بدهی داخلی دولت بشار اسد به بیش از دو برابر تولید ناخالص داخلی کشور و بدهی خارجی به حدود ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. با این ارقام، پولی برای بازپرداخت بدهی‌های خارجی نمی‌ماند.

*حجم بدهی‌های سوریه غیر شفاف است، اما بدهکار بودن دمشق به تهران روشن است. مقام‌های حکومت اسلامی ایران، در سال‌های اخیر، حضور در سوریه و کمک به حکومت بشار اسد را علاوه بر آن‌که یک «سیاست درست خارجی و استراتژیک» ایران خوانده‌اند، اشاره‌هایی هم به فرصت‌های اقتصادی ایران در آینده سوریه کرده‌اند. ایران هرگز شریک تجاری بزرگی برای سوریه نبوده است. حتی قبل از جنگ هم، ترکیه، اروپا، چین و روسیه شریکان تجاری عمده این کشور بودند. اما از سخنان مقام‌های ایران بر می‌آید که آن‌ها روی باز شدن بازار سوریه به روی کالاهای ایرانی حساب کرده‌اند.

گرچه مقام‌های بازرگانی گفته‌اند که عملاً کالاهای ایرانی نه آن‌چنان بازاری در سوریه دارند و نه دمشق نظر مشخصی روی تجارت با ایران دارد، برعکس تجارت با ترکیه رونق دارد. البته دلیل عمده‌اش هم فرار بسیاری از تولیدکننده‌ها و شرکت‌های سوری به خاک ترکیه در سال‌های اول جنگ است.

یحیی رحیم صفوی، مشاور نظامی آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی ایران هم اخیراً گفت که سوریه «آمادگی دارد از منابع نفت و گاز و فسفات بدهی خود را به ایران بپردازد».

اما خبرگزاری بلومبرگ، گزارش داده است که شرکت‌های چینی، علاقه زیادی به تجارت با سوریه پیدا کرده‌اند و چند فعال اقتصادی هم به این خبرگزاری گفته‌اند که تمایل برای تجارت با سوریه بیشتر است. با این حال ایران موفق شده ساخت شبکه موبایل را در سوریه بگیرد، گرچه هنوز از جزئیات این واگذاری اطلاعات دقیقی در دست نیست.

سازمان ملل متحد برآورد کرده است که سوریه برای بازسازی، نیاز به ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار دارد. این رقم حدود ۱۰ برابر تولید ناخالص داخلی سوریه است که نشان می‌دهد این کشور، نیاز به سرمایه خارجی دارد. اما دولت سوریه دوستان بسیار محدودی در جهان دارد.

*حکومت اسلامی ایران، که با افول نظامی داعش در اواخر سال گذشته میلادی از یک سو و گسترش سیطره نفوذ ارتش سوریه بر مناطق بیشتری از خاک سوریه از سوی دیگر، رؤیای افزایش «عمق استراتژیک» خود در سوریه و منطقه را تحقق یافته می‌دید این روزها با انبوهی از بحران‌های داخلی و خارجی روبه‌رو است.

در سوریه، ایران نه تنها از سوی دشمن دیرینه‌اش امریکا، بلکه حتی از سوی روسیه مهم‌ترین همپیمانانش نیز تحت فشار قرار گرفته است؛ روسیه‌ای که به‌گفته علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل آیت‌الله خامنه‌ای، همچنان «شریک استراتژیک» جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. در حالی که اخیراً ولادیمیر در دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر

اسرائیل به او اطمینان می‌دهد نگرانی‌های تل آویو در مورد افزایش نفوذ ایران را در نظر خواهد گرفت و اجازه نخواهد داد نیروهای مورد حمایت ایران در سوریه به مرز اسرائیل نزدیک شوند.

تنها چند ساعت پس از دیدار پوتین و نتانیاهو جنگنده‌های اسرائیلی مواضع نظامی ارتش سوریه را در بلندی‌های جولان در قنيطرة هدف قرار دادند. پوتین ماه مه گذشته نیز ساعاتی پس از اعلام تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از برجام میزبان نتانیاهو در مسکو بود. برخی رسانه‌های اسرائیل از جمله «شبکه دو» این کشور همان موقع گزارش دادند که مسکو و تل آویو به یک توافق پنهانی دست یافته‌اند که به موجب آن روسیه با خروج ایران از سوریه در ازای کنترل درعا و مناطق مرزی مشترک قنيطرة با جولان اشغالی توسط ارتش سوریه موافقت کرده است.

دیدار پوتین و ترامپ در هلسینکی فنلاند نیز گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال دستیابی به یک توافق بزرگ بین روسیه و آمریکا درباره سوریه و به‌ویژه آینده ایران در این کشور افزایش یافته است. آیا امکان دستیابی به این توافق بزرگ میان روسیه و آمریکا وجود دارد؟ اهداف روسیه چیست و با فرض حصول چنین توافقی تا چه اندازه می‌توان آن را با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود عملیاتی دانست و چه پیامدهایی برای ایران خواهد داشت؟

عاقبت جنگ در سوریه، این روزها به یک معمای استراتژیک بزرگ و پیچیده‌ای برای بازیگران اصلی این نبرد هفت ساله بدل شده است. روسیه، ایران، ایالات متحده و ترکیه در قالب ائتلاف‌های جداگانه می‌کوشند نفوذ خود را در سوریه و در منطقه پر آشوب خاورمیانه گسترش دهند و یا روابط خود را با دیگر رقبای بازیگران تنظیم کنند، هرچند هیچ کدام به روشنی نمی‌دانند کارزار بازی قدرت و بده بستان سیاسی بر سر سوریه در آخر برای‌شان چه سرانجامی خواهد داشت.

اکنون اسرائیل نیز به شدت مواضع ایران رد سوریه را بمباران می‌کند و تاکنون ضربات کوبنده‌ای به نیروهای حکومت اسلامی مسقر در سوریه زده است.

ایران اما با وجود صرف هزینه‌های هنگفت برای نیل به اهدافی همچون حفظ بشار اسد، مقابله با داعش و گسترش نفوذ خود در منطقه با چالش‌های جدیدی روبه‌رو است، چالش‌هایی که کار حفظ «عمق استراتژیک» توسط سران ایران را دشوار و یا ناممکن ساخته است.

تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از برجام و بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران در هفته‌های آینده از یک‌سو و خیز روسیه برای اتمام هرچه سریع‌تر فاز نظامی جنگ در سوریه و توافق اسرائیل و روسیه بر سر محدود کردن حوزه نفوذ نیروهای ایرانی و نیروهای شیعه مورد حمایت تهران مانند زینبیون و فاطمیون و البته حزب‌الله لبنان از سوی دیگر، تنگنای بزرگی را برای حکومت اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی به خصوص در قبال مسأله سوریه به‌وجود آورده است.

ایران اینک تحت فشار دو قدرت بزرگ قرار گرفته است. از یک طرف آمریکا با خروج از برجام و تلاش فلج کردن اقتصاد ایران و برای حذف ایران از معادلات قدرت در سوریه، تهران را تحت فشار جدی قرار داده است. از طرف دیگر، روسیه با فرصت‌سازی از روابط پرتنش ایران با غرب به‌ویژه آمریکا، در طول سال‌های گذشته آن‌چنان ایران را به خود وابسته کرده و از آن بهره برده است که جدا شدن از خطمشی روس‌ها برای سران ایران، تصمیمی پرمخاطره و دارای ریسک بالا خواهد بود.

بی‌تردید پیشنهاد پوتین به ولایتی مبنی بر سرمایه‌گذاری روسیه در حوزه‌های نفتی و گازی تا سقف ۵۰ میلیارد دلار آن هم در شرایطی که شرکت‌های غربی از ترس بازگشت تحریم‌ها ایران را ترک کرده‌اند در ازای پیشنهاد و امتیاز مشخصی از سوی ایران ارائه شده است.

گرچه محتوای چنین گفت‌وگوهایی غالباً محرمانه باقی می‌مانند اما به نظر می‌رسد عقب‌نشینی نیروهای ایران تا شعاع ۸۰ کیلومتری از مرزهای جنوب غرب سوریه (جولان) که موضوع مهم مورد بحث نتانیاهو و پوتین هم بود، همان امتیاز احتمالی ایران به روس‌ها در مقطع کنونی است.

پوتین پیش‌تر در ماه مه نیز در دیدار با اسد اظهار داشت با آغاز فرایند سیاسی در سوریه نیروهای مسلح خارجی باید خاک این کشور را ترک کنند. نظر به این‌که ترمپ از قریب‌الوقوع بودن خروج نیروهای امریکایی از سوریه خبر داده است، بعید نیست پوتین در دیدارش با ترمپ از متقاعد کردن ایران برای عقب‌نشینی از مناطق جنوب سوریه به‌عنوان برگ برنده استفاده کرده است تا در ازای آن از او بخواهد نیروهای امریکایی از پایگاه نظامی التنف در جنوب سوریه خارج شوند و یا کنترل آن را به روس‌ها واگذار کنند.

پوتین، با اطمینان از موفقیت‌آمیز بودن مذاکراتش با ایران و اسرائیل به دیدار ترمپ رفت. روسیه اساساً به‌عنوان قدرتی که در روابط بین‌الملل خود در چارچوب ملاحظات رئال پلیتیک تصمیم‌سازی و اقدام می‌کند بی‌تردید تنش‌زدایی در روابط با امریکا را نیز در دستور کار خود قرار داده است.

اگرچه روابط روسیه با امریکا به دنبال اعمال تحریم‌های واشینگتن به خاطر مسأله اوکراین و پیوستن شبه‌جزیره کریمه به روسیه و نیز بحث دخالت مسکو در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ امریکا به تیرگی گراییده است اما پوتین و ترمپ در عین حال به دنبال یافتن زمینه‌های هم‌گرایی در قبال مناقشات بزرگ بین‌المللی هستند. این تلاش‌ها لزوماً به معنای منطبق و همسو بودن منافع این دو رقیب دوران جنگ سرد نیست، بلکه بدان معناست که روسیه و امریکا به‌عنوان قدرت‌های بزرگ به دنبال ایفای نقش و تنظیم روابط دو جانبه از بطن مناقشات مهم بین‌المللی هستند.

بنابراین پرونده‌های ایران، کره شمالی، سوریه و اوکراین را باید به مثابه فرصت‌هایی برای روسیه در راستای ارتقا قدرت و منافع خود و مهم‌تر از همه تنظیم روابط قدرت خود با امریکا دانست. پوتین با فرض گرفتن امتیاز از ایران در سوریه، با دست بازتر و اطمینان بیشتری می‌تواند بر سر موضوع تحریم‌های امریکا بر سر مسأله اوکراین با ترمپ به چانه‌زنی ادامه دهد.

پوتین به‌خوبی می‌داند که خروج کامل ایران از سوریه با توجه به هزینه‌های هنگفت مالی ایران و به سبب روابط نزدیک دمشق - تهران عملاً میسر نیست. بنابراین او تلاش می‌کند امریکا و اسرائیل را با ایده بستن فضای مانور نظامی ایران در سوریه راضی نگه دارد تا در آینده با مشخص شدن روند سیاسی در سوریه امکان خروج نیروهای نظامی خارجی فراهم شود. شاید روس‌ها بر این باورند با بازگشت ایران به دوران سخت تحریم، افزایش فشارهای بین‌المللی و تعمیق بحران اقتصادی در این کشور، سران ایران دیگر قادر نخواهند بود با فروش نفت برجای از «عمق استراتژیکی» شان در سوریه محافظت کنند.

شواهد و قرائن اما نشان می‌دهد روسیه و امریکا و اسرائیل روی ایران برای تنظیم روابط قدرت خود حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند و ایران در جغرافیای قدرت‌های بزرگ مدت‌هاست در سراسیمگی از دست دادن «عمق استراتژیکی» خود در منطقه قرار گرفته است.

پنج‌شنبه چهارم مرداد [اسد] ۱۳۹۷ - بیست و ششم جولای ۲۰۱۸

ادامه دارد.